خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۶ شهریور ۱۳۹۶ . ۶ ذی الحجه ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۶۲۰

کشف یک تن و ۷۰۰ کیلو مواد مخدر در عسلویه

دادستان عمومی و انقلاب بوشهر دیروز از کشف و ضبط بیش از یک تن و ۷۰۰ کیلوگرم مواد مخدر در عسلویه خبر داد و گفت: این میزان مواد مخدر از طریق دریا و از جنوب شرقی کشور وارد عسلویه شده بود. به گزارش فارس به نقل از روابط عمومی دادستانی کل کشور، علی حسن پور افزود: ۴ نفر نیز در این ارتباط دستگیر شدند و تلاش برای شناسایی تعدادی دیگر که متواری هستند، ادامه دارد.

خبر

پرواز بالگردهای ناجا برای مقابله با کشت «گل»

سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر با رد هر گونه کشت تجاری «گل» در کشور از تمهیداتی برای پایش زمین‌های کشاورزی به‌منظور ممانعت از کشت «شاهدانه» و هر گونه مواد ممنوعه خبر داد. به گزارش تسنیم، قاسم افشار با اشاره به نحوه ورود ماده مخدر «گل» به بازار مصرف افزود: در سال‌های اخیر با توجه به افزایش تقاضای مصرف ماده گل، شاهد افزایش کاشت ماری‌جوآنا در کشور افغانستان هستیم و بیشتر کشفیات ما از محموله‌های خارج کشور است. سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر با تأکید بر این که به‌هیچ‌وجه گزارشی از کشت ماری‌جوآنا و گل در ابعاد تجاری در کشور نداریم گفت: باید توجه داشت که کشت ماری‌جوآنا و گل به‌صورت انسجام‌یافته در کشور انجام نمی‌شود ولی چون کاشت گل بسیار ساده است، کاشت و تولید آن در گلدان‌های خانگی، پاسیوها و آشپزخانه‌ها با تاباندن نوری خاص امکان‌پذیر است. وی در پاسخ به این سوال که چرا بسیاری از فروشندگان گل در هنگام عرضه این محصولات، نام برخی شهرهای کشور را به پسوند «گل» اضافه می‌کنند که به معنای تولید گل در این شهرهاست گفت: به نظر می‌رسد این شیوه، یک شیوه تبلیغاتی برای جذب مشتریان و مصرف کنندگان این مواد است و کاشت گل در چنین حجمی در هیچ‌یک از نقاط کشور حتی در قله کوه‌ها هم نداریم. افشار با اشاره به بازرسی‌های هوایی نیروی انتظامی با بالگرد از زمین‌های کشاورزی کشور اضافه کرد: در زمینه پایش هر چه بیشتر مزارع و زمین‌های کشاورزی، حتی دهیاری‌ها نیز موظف شده‌اند زمین‌های کشاورزی روستاها را پایش کنند و در صورت کشت شاهدانه یا هر ماده ممنوعه دیگری، موضوع را به دستگاه‌های مربوط گزارش دهند. سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر، با بیان این که با توجه به اهمیت این مسئله، موضوع به وزارت جهاد کشاورزی و حتی صنف تراکتور داران نیز اطلاع داده شده است، گفت: ما در این امر، تنها به وظایف نیروی انتظامی بسنده نمی‌کنیم و به دبیران شورای هماهنگی تمام استان‌ها ابلاغ کرده‌ایم که نظارت بر کشت، از جمله وظایف دهیاران سراسر کشور است. افشار در پایان خاطرنشان کرد: هر گونه گزارش مردمی درباره کشت شاهدانه، گل و ماری‌جوآنا را بررسی می‌کنیم.

گزارش میدانی از تهیه آسان مواد مخدر

چند دقیقه تا نشئگی!

عکس: تزینی

بهبودی نیا- اگر همین الان اراده کنی که مواد تهیه کنی، تقریبا می توان گفت که چندان معطل نخواهی شد؛ نمی گویم بی درنگ، اما احتمالا زمانی حدودیک ربع کافی است که به آن چه می خواهی دست یابی. آری! فروشنده های «مرگ» بیشتر جاها هستند. آن ها فقط برایشان «پول درآوردن» مهم است به هر قیمتی که بشود. فروشنده های مواد مخدر؛ فروشنده هایی با لباس های معمولی، صورت های معمولی، نگاه های معمولی در شهر قدم می زنند و شاید در طول روز بدون این که متوجه شده باشی تعدادی از آن ها از کنارت عبور کرده باشند. در شهر ظاهرا همه چیز عادی است و همه در حال گذران زندگی خودشان هستند اما کمی تأمل، پرده ها را کنار می زند و روی دیگری از شهری که در آن زندگی می کنیم نمایان می کند. بنا به آمارهای دستگاه های مسئول، شما به راحتی می توانید هر گونه مواد مخدر را در کمتر از چند دقیقه در اختیار داشته باشید. حجت الاسلام نوروزی سخنگوی کمیسیون حقوقی مجلس چندی قبل با بیان این که ستاد مبارزه با مواد مخدر بودجه ۱۰۰۰ میلیارد تومانی دارد و باید اقدامات پیشگیرانه، درمانی و صیانتی را در موضوع اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر انجام دهد از دسترسی آسان مردم به مواد مخدر انتقاد کرده و به خبر گزاری خانه ملت گفته بود: آیا... آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه کشور، شخصا گفته اند دسترسی به مواد مخدر از خرید یک بسته سبزی هم آسان تر است و قبلا زمان دسترسی به مواد مخدر ۱۵ دقیقه بود و امروز ۷ دقیقه شده است. پس باید پاسخ این سوال را داد که آیا اقدامات ما در این بخش مؤثر بوده؟ اگر مؤثر بود باید زمان دسترسی به مواد مخدر به ۵ یا ۶ ساعت می رسید نه ۷ دقیقه.

■ **اتاقی برای توهم**

سیم سرخ شده را از روی اجاق گاز برمی دارد و چند ثانیه بعد دود تریاک را از لوله کاغذی نفس می کشد و در حالی که دود را در گلویش حبس کرده، عرق روی پیشانی اش را با کف دستش خشک می کند و چند ثانیه بعد، سرش را بالا می گیرد و دود را به سمت سقف خاکستری اتاق می فرستد. دودی که از بالای دهانش بیرون می فرستد زیر نور زرد رنگ اتاق غبار آلود پخش می شود. این جا همه چیز به هم ریخته است، ظرف و لیوان های نشسته داخل سینک ظرفشویی روی هم تلنبار شده، چند دست لباس گوشه اتاق افتاده و لپ تاپ روشن است و آهنگ های غمگین پشت سرهم فضای اتاق را پر می کند. به قول اشکان موسیقی غمگین و اتاق غبار گرفته و درهم و برهم، تنها چیزی است که به حال و روزش می آید. دو سال می شود که اشکان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به این شهر آمده. آن طور که خودش می گوید تا چند روز دیگر ۲۳ سالش تمام می شود. دائم دستش را میان موهای آشفته اش فرو می برد و لب های کبودش یک ریز تکان می خورد. گاهی از اوضاع بد اقتصادی گلایه می کند و گاهی از خوشی های دوران دانشجویی و خانه مجردی اش می گوید. هر از گاهی پلک های نیمه باز ش روی هم می رود. گرم صحبت که می شویم درباره در دسترس بودن مواد مخدر از او سؤال می کنم. کمی سکوت می کند بعد با لشش را زیر بغلش جابه جا می کند، زیر شعله اجاق گاز را کم می کند، با خودکاری که در دستش دارد با حوصله نبات داخل لیوان چای را هم می زند و دست آخر می گوید: «پول داشته باشی همه چی در دسترسه، من معمولا یک ربع تا ۲۰ دقیقه اگر داخل خانه باشم جور شدن جنسم طول می کشه. اگر بیرون باشم ۱۰ دقیقه شایدهم کمتر». دوباره سیم سرخ شده را برمی دارد و دود را از لوله کاغذی که لای دندان هایش نگه داشته می فرستد ته حلقش، صورتش را درهم می کشد و پشت سرهم چند سرفه می کند. بعد از کمی مکث لیوان چای را برمی دارد و چند جرعه می خورد. بدون این که خودش را جابه جا کند یک عدد سیگار را از داخل پاکت بیرون می کشد و شروع می کند به کشیدن. الان تقریبا دو ساعت است که در حال کشیدن تریاک کنار اجاق گاز لم داده، هوای اتاق به شدت گرم شده است. پلک های اشکان دائم روی هم می رود و باز می شود چند لحظه بعد خاکستر سیگاری وسط چرت زدن های اشکان روی فرش می ریزد. به آرامی دستش را به سمت ساعدش می برد و ساعدش را می خاراند. سردرد همراه با حالت تهوع شدیدی به سراغم می آید بلند می شوم خداحافظی می کنم و از اتاق می زنم بیرون. نسیم خنکی به صورت عرق کرده ام می خورد. نفس عمیقی می کشم. در حیاط را می بندم و دور می شوم.

**

روز بعد با اشکان به یکی از پارک های شهر می رویم با یکی از فروشنده ها تماس می گیریم. عقربه های ساعت ۱۹:۲۵ را نشان می دهد روی نیمکتی منتظر می نشینیم. دوازده دقیقه بعد یک پراید مشکی رنگ در حاشیه خیابان ترمز می زند. به همراه اشکان به سمت ماشین می رویم. فروشنده با اشکان خوش وبشی می کند. مقداری شیره تریاک که وسط یک پلاستیک پیچیده شده را کف دست اشکان می گذارد و پولش را می گیرد. اشکان نگاهی به من می اندازد و می پرسد: «الان ماری (ماری جوآنا) هم همرات داری؟»

فروشنده با خنده جواب می دهد: «بنگ، چرس، ماری ،حشیش، تریاک، شیره. هر چی بخوای دارم، همه چی به جز شیشه.» اشکان بدون این که کوچک ترین لبخندی زده باشد طوری که انگار از اول حواسش به بسته شیره تریاک بوده، یک بسته ماری جوآنا برای هم اتاقی اش می خرد. در ماشین را باز می کنیم و پیاده می شویم.

■ **زمانی برای برگشتن نیست**

علیرضا یکی از خواننده های زیرزمینی است، ۱۸ سال بیشتر ندارد. طوری که خودش می گوید دو سال است که ماری جوآنا مصرف می کند و باز هم به قول خودش سر نترسی دارد. به همراه علیرضا زیر نور زردرنگ تیر چراغ برق منتظر ایستاده ایم. علیرضا شروع به گرفتن شماره فروشنده ماری جوآنا می کند، آدرس دقیق را می دهد. به ساعتم نگاه می کنم ساعت ۱۰:۵۰ شب است و به جز اطراف تیر چراغ برقی که زیر نور آن ایستاده ایم بقیه کوچه کاملا تاریک است و درخت ها در تاریکی و زیر نور کم جان ماه با نسیم گرمی که در حال وزیدن است تکان می خورند. صدای موتورسیکلتی سکوت کوچه را می شکند و هر لحظه نزدیک و نزدیک تر می شود. نور چراغ موتورسیکلت یک لحظه در چشممان می افتد و بعد کنار ما متوقف می شود. به ساعتم که نگاه می کنم از تماس علیرضا تا رسیدن فروشنده زمان زیادی طول نکشیده. هشت دقیقه کل زمانی است که فروشنده از زمان تماس تا تحویل ماری جوآنا صرف کرده است. با تعجب به فروشنده لبخند می زنم و می گویم: «چقدر زود رسیدی؟»

در حالی که بسته‌ای را از جیب بغل لباسش بیرون می کشد می خندد و جواب می دهد: «به من میگن اکبر تخته گاز، داش علیرضا هر زمان امر کنه ما سیم ثانیه بعد در خدمتشیم. با اکبر تخته گاز هیشکی توی این شهر خمار نمی مونه، دیگه خماری مرد.» با شنیدن این جمله فروشنده مواد، صحبت هایی را که از یکی از مسئولان خوانده بودم به یادم آمد؛ صحبت های سعید صفاییان، رئیس کارگروه کاهش تقاضای مصرف مواد مخدر در مجمع تشخیص مصلحت نظام که گفته بود: «اگر معتادان برای رسیدن به مواد سختی بکشند، قطعا عده ای در این مسیر پشیمان می شوند و مواد را ترک می کنند اما متاسفانه زمان رسیدن به مواد آن قدر کم است که به فرد معتاد اجازه نمی دهد که چند دقیقه دور از مواد باشد تا بتواند وارد دایره ترک مواد مخدر شود این یعنی وضعیت مبارزه با مواد مخدر در کشور خوب نیست.» [اکبر، بسته ماری جوآنا را به علیرضا می دهد و علیرضا ۲۰ هزار تومان در عوض بسته‌ای که گرفته به او پر داخت می کند. تلفن اکبر تخته گاز زنگ می خورد چند جمله ردوبدل می شود و اکبر می گوید ۵ دقیقه دیگه اونجام. بعد تلفن را قطع و موتورسیکلت را روشن می کند و چند ثانیه بعد، از پیچ کوچه می گذرد و در خیابان اصلی به راهش ادامه می دهد.

■ **توهم به‌وقت نوجوانی**

سه دختر و دو پسر نوجوان بی تفاوت به عابرانی که از کنارشان عبور می کنند وسط سبزه های پارک نشسته‌اند و سیگاری را دست به دست می چرخانند. سن هیچ کدامشان از ۱۸ سال بیشتر نیست. یک ریز با هم صحبت می کنند گاهی به هم نازا می گویند و گاهی بلند بلند می خندند. به همراه علیرضا وارد جمعشان می شویم. علیرضا بسته ماری جوآنا را که دیشب از اکبر تخته گاز خریده از جیبش بیرون می کشد و با حوصله کمی از آن را داخل سیگار می ریزد. باهم قرار گذاشته ایم بعد از چند دقیقه علیرضا غیر مستقیم سوال های موضوع گزارش را مطرح کند. علیرضا چند سوال می پرسد و هر کدام از آن ها به یکی از سوال ها جواب می دهد. رو به محمد می گویم: «چند وقت پیش توی تهران یک گروه رودستگیر کردن که توی کار خرید و فروش اینترنتی ماری جوآنا و حشیش بودن.» هنوز حرفم تمام نشده که سارا حرفم را قطع می کند و می گوید: «آره منم خبر دار شدم». بعد عینکش را روی صورت استخوانی اش جابه جا می کند و با خنده ادامه می دهد: «نیاز به اینترنت نیست، شما هر چی می خوای به من بگو تا همین الان زنگ بزنم تا ۱۰ دقیقه دیگه برات بیارن» بعد می خندد و ادامه می دهد: «مثلا من الان مشروب می خوام واسه مهمونی امشبم».

همان طور که صحبت می کند تلفنش را که روی سبزه ها انداخته بر می دارد و تماس می گیرد، برای یک ساعت دیگر تعدادی شیشه مشروب سفارش می دهد. ۱۰ دقیقه قبل از زمانی که قرار گذاشته ایم به سمت محل قرار می رویم. در مسیر با سارا و محمد درباره این که اگر توسط پلیس دستگیر شوند و خانواده هایشان از ماجرای مصرف مواد مخدر توسط آن ها با خبر شوند می پرسم، اول نگاهی به هم می اندازند و بعد محمد شروع به خندیدن می کند و سارا هم پشت سر او می خندد. سارا می گوید: «دستگیر؟ نه بابا از این خبرا نیست، بارها شده که پلیس نزدیک بوده، سریع جنسارو انداختم روی زمین (لحنش را کمی عوض می کند و ادامه می دهد) بعد هم مثل یه دختر مودب که مامانش خیلی دوستش داره به راهم ادامه دادم و رفتم (می خندد)». محمد در ادامه صحبت های سارا می گوید: «ببین داداش ما با کسی کاری نداریم، میایم همین گوشه ها می شینیم و می ریم توی فاز خودمون، تو برو کل پارک رو بگرد ببین یکی از ما نارضیه؟»

می گویم: «این طوری ها هم نیست به هر حال شما با خندیدن و حرفای غیر معمولی که بعضی وقت ها می زنین مزاحمت ایجاد می کنین واسه یه عده»

سارا دوباره می خندد و محمد کمی از شنیدن این حرفم ناراحت می شود و می گوید: «داداش، یه ذره چشماتو باز کنی می بینی خیلی ها رفتار بدتری دارند».

بعد شروع می کند به مطرح کردن مباحث علمی و یک ریز درباره بی خطر بودن ماری جوآنا و این که تعداد زیادی از دانشجویان، هنرمندان و اقشار مختلف دیگر هم از این ماده استفاده می کنند توضیح می دهد. محل قرار چند خیابان بالاتر از پارک است. کوچه خلوتی که هر از گاهی عابری از آن عبور می کند. به همراه محمد و سارا روی جدول می نشینیم. محمد هنوز با دلخوری در حال توضیح دادن در مورد مصرف ماری جوآنا و بی خطر بودن آن است. در جواب او سکوت می کنم. چند لحظه بعد خودرویی مدل بالا زیر تابلویی که قرار گذاشته ایم توقف می کند. محمد داخل ماشین می نشیند و بدون این که کلمه‌ای بین فروشنده و او رد و بدل شود در حالی که جعبه‌ای بسته بندی شده در دستش دارد پیاده می شود و شیشه ها را داخل کوله پشتی اش می گذارد و به سمت ما می آید.

گل یا ماری جوآنا چیست؟

گل یک مخدر جدید نیست، در واقع همان «ماری جوآنا» است که فروشندگان مواد برای سود بیشتر، برای آن اسم جدید و وسوسه کننده‌ای انتخاب کرده‌اند تا جوان‌ها را به سمت آن بکشانند. برای اطلاع بیشتر از این ماده مخدر مرگ آور و مشکلاتی که برای مصرف کنندگانش به وجود می‌آورد با «دکتر محمدرضا قدیرزاده» کارشناس پزشکی قانونی همکلام شدیم که اینک از نظر می گذرد.

منشأ «گل» چیست؟

سرمنشأ ماده مخدر «گل»، همان شاهدانه است. صمغ این ماده را حشیش می گویند.

دلیل گرایش برخی جوان‌ها به سمت مخدر گل چیست؟

آن‌ها دنبال یک سرخوشی کاذب هستند که فکر می کنند با مصرف حشیش یا مواد مخدر دیگر به دست می‌آورند در حالی که این حس فقط در روزهای اول استفاده از این مواد به وجود می آید و بعد از آن، دیگر هیچ خبری از سرخوشی نیست. البته نباید از این مسئله چشم‌پوشی کرد که خیلی از جوانان واقعاً نمی‌دانند که این مواد، مخدر هستند و نباید آن‌ها را استفاده کرد. یکی از دلایل مصرف بی‌رویه این ماده، ناآگاهی است. جوان‌های ما شنیده‌اند که ماری‌جوآنا در کشورهای دیگر مجاز است و حتی به‌عنوان دارو استفاده می‌شود، به همین دلیل، با خودشان می‌گویند ما هم استفاده کنیم. حتی وقتی کسی به آن‌ها هشدار می‌دهد، احساس می‌کنند هشدارش کاملاً اشتباه است و فقط قصد ترساندنشان را دارد، در حالی که بین موادی که در کشورهای دیگر مصرف می‌شود و مواد موجود در کشور ما، تفاوت بسیار زیادی وجود دارد.

آیا آماری درباره این که چه درصدی از مصرف کنندگان ماده مخدر گل مرد و چه تعداد زن هستند وجود دارد؟

نمی‌شود تخمین زد. فقط می‌توانم بگویم که متأسفانه این ماده توسط خانم‌ها نیز استفاده می‌شود و دلیل اصلی‌اش همان طرز فکر اشتباه درباره شادی‌زا بودن این مواد است. مصرف کنندگان این ماده، باید بدانند این شادی ظرف مدت کوتاهی به افسردگی و انزوا تبدیل خواهد شد.

آیا این ماده فقط همراه با سیگار استفاده می‌شود؟

نه، بعضی‌ها آن را به شکل تنباکو در قلیان می کشند، برخی دیگر داخل سیگار، یک عده‌ای هم با آن، شیرینی درست می کنند و به فروش می‌رسانند. این شیرینی‌ها که به معجون زابلی، معجون بیرجندی و معجون بمب خنده معروف هستند همان سرخوشی کاذب را به مصرف کننده می‌دهد.

شما به‌عنوان درمانگر با آدم‌هایی روبه‌رو هستید که از گل استفاده می کنند؛ آن‌ها چه خصوصیاتی دارند؟

این چنین افرادی، از وابستگی روانی رنج می برند، نه وابستگی جسمی. یعنی اگر ماده یک ساعت دیرتر از موعد به آن‌ها برسد شروع به پرخاشگری می کنند. متأسفانه یکی از دلایلی که برخی از افراد تصمیم به مصرف این ماده می گیرند این است که در باور آن‌ها، گراس، علف و گل اعتیاد ندارند، در حالی که این طور نیست و اگر مواد مخدر فقط به جسم آسیب می‌رسانند، ماده‌ای مثل گراس روان انسان را به هم می‌ریزد.

ممکن است مصرف گل باعث مرگ شود؟

وقتی یک نفر تحت تأثیر این ماده به شکل دیوانه‌وار رانندگی یا پرخاشگری می کند ممکن است دست به هر کاری بزند، کارهایی که باعث مرگ خودش یا نزدیکانش می‌شود.

درمانی برای وابستگی شدید روانی که از آن صحبت کردید وجود دارد؟

بله. اما درمان این افراد فقط زمانی صورت می گیرد که تحت نظر روان پزشک متبحر باشند. چون این ماده مستقیماً روی مغز تأثیر می گذارد، برای ترک چنین موادی بهتر است فرد در کنار رفتن به کمپ، حتماً از خدمات پزشکی و روان‌پزشکی هم کمک بگیرد.

به خاطر آرزوهایم به مرگ فکر نمی‌کنم

بهرام از طرف یکی از کمپ‌ها معرفی شده است. او دومین دوره حضور خودش در کمپ را می گذراند. خودش می‌گوید که بیشتر از سه سال است که به گل اعتیاد دارد. از بریده بریده حرف زدنش و قطع ناگهانی سخنانش، به‌سادگی می‌شود فهمید که آثار مخرب این ماده مخدر تا چه حد به روان او لطمه وارد کرده است، ۲۲ ساله است، از چهار سال قبل با حشیش شروع کرده و بعد با «گل» آشنا شده است. با او درباره این ماده گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

چند سال قبل با گل آشنا شدی؟

- گل را یک سال بیشتر نیست که می‌شناسم. قبل از آن، فقط حشیش و گراس مصرف می کردم. البته موضوعی که برای خودم هم عجیب است این است که چطوری به اینجا کشیده شدم. من کلاً از مواد مخدر خوشم نمی‌آمد چون تعداد زیادی از افراد در جه‌یک خانواده‌ام اعتیاد داشتند و من اصلاً دلم نمی‌خواست شبیه آن‌ها شوم. ۱۸ سالم بود که یک روز با دوستانم در پارک نشسته بودیم. یکی از آن‌ها یک نخ سیگار درآورد و شروع کرد به کشیدن، قبل از آن‌هم سیگار کشیده بودم اما بوی سیگاری که آن‌روز در دست دوستم بود فرق داشت. بوی عدس سوخته می‌داد. هر نفر یک پک زد و نوبت به من رسید. شناختی از حشیش نداشتم. من هم یک پک زدم. دفعه اول بوی تندش توی گلویم زد و به سرفه افتادم، اما بعد از آن به قدری همراه با دوستانم به همه چیز خندیدیم که سرفه از یادم رفت.

حس و حال اولین مصرف حشیش چطور بود؟

- فقط می‌خندیدم. آن قدر خنده‌ام زیاد بود که نمی‌توانستم حرف بزنم. کلمات را از یاد برده بودم و فقط می‌خندیدیم. این تجربه روز اول بود اما بعداً اتفاقات دیگری برایم رخ داد. در خانه که سیگاری می کشیدم احساس می کردم وسایل خانه از سر جایشان بلند می‌شوند و روی هوا حرکت می کنند. دوستانم را شبیه حیوان می‌دیدم و از خنده غش می کردم.

تا چه مدت این خنده‌ها ادامه داشت؟

- خیلی زیاد نبود، بعد از آن، از نظر روانی به این ماده کاملاً وابسته شدم. اگر یک روز حشیش به من نمی‌رسید اعصابم به هم می‌ریخت و پرخاشگر می‌شدم.

گل چه زمانی وارد زندگی‌ات شد؟

- بعد از حشیش با گراس آشنا شدم. حال بدی که بعد از مصرف حشیش و گراس داشتم تفاوتی با هم نداشت تا این که یک سال قبل با گل آشنا شدم. مقداری از آن را گرفتم و به خانه دوستانم رفتم و این بار من این ماده را به آن‌ها تعارف کردم. فروشنده‌ای که از او گراس می گرفتم این ماده را به من معرفی کرد و من هم مثل کسی که دنبال مواد مخدر روز است، آن را خریداری کردم. قبل از این که دوستانم مصرف کنند، درباره تأثیرات این ماده با آن‌ها صحبت کردم و گفتم که این ماده با بقیه مواد تفاوت دارد.

چه حالی داشتی؟

- گیج بودم. همه چیز یادم می‌رفت. دیگر نمی‌توانستم به مغازه پدرم بروم چون با همه دعوایم می‌شد. من که به دلیل مصرف حشیش مدام روی دور توهم و خنده بودم، به یک آدم منزوی تبدیل شدم. گاهی مغزم طوری بود که نمی‌توانست به اندام‌های دیگر بدنم فرمان دهد و من نمی‌توانستم کارهای روزمره‌ام را انجام دهم. مثلاً می‌رفتم داخل پارک می‌نشستم اما توان این را که از آن جا خارج شوم نداشتم.

چطور شد که تصمیم به ترک این ماده گرفتی؟

- مدتی بود حالم هر روز بدتر می‌شد و وزنم با سرعت عجیبی در حال کاهش بود. در آن زمان هنوز «گل» مصرف می کردم اما دیگر خبری از غذا خوردن‌های افراطی نبود. به دلیل ضعفی که داشتم به پزشک مراجعه کردم و فهمیدم سرطان دارم. دکتر گفت به دلیل مصرف حشیش و گراس است. بعد از این که درگیر سرطان ریه شدم تصمیم گرفتم دیگر لب به این ماده نزنم. از مرگ می‌ترسیدم. دلم نمی‌خواست با این سن و سال کم بمیرم. برای همین راهی کمپ شدم. این جا یک روان‌پزشک داریم که تحت نظر او درمان می‌شویم.

وضعیت بیماری‌ات چطور است؟

- شیمی درمانی می‌شوم و امیدوارم بتوانم جان سالم به در ببرم.

چه آرزوهایی داری که به خاطر آن تصمیم به ترک مواد گرفتی؟

- دلم می‌خواهد برای خودم زندگی تشکیل بدهم و پدر بشوم. این بزرگ‌ترین آرزویم است.

منبع: مجله همشهری سرنخ

جدول متوسط [شماره ۶۹۱۷]

طراح جدول: امید موسوی

افقی: ۱- جواز - باشگاه ورزشی - بیم - هوای متحرک ۲- ایده - درخواست - زین و برگ اسب - قوس ۳- خانه ییلاقی - پیشین - کمیاب - شهری در استان اصفهان ۴- حقه - از سبزی های معطر - جنس خشن - چاره اندیشی ۵- غلاف شمشیر - خانم - کشور آفریقایی - از اشکال هندسی ۶- منقار پرنده - صبور - پیل الکتریکی - مادر لر ۷- دیروز عرب - سیم خارجی - خشکی - رهرو ۸- آماده - یکدنده - بیرون - قاضی ورزشی ۹- کمترین - سرزمین - پایتخت اروپایی - قفل چوبی که پشت در حیاط کار می گذاشتند ۱۰- شیمی کربن - چهل‌ودومین سوره قرآن کریم - آگاه و هوشیار - از ادات استفهام ۱۱- پیکر - فرستاده - قصه - مجرم

عمودی: ۱- کشوری در آمریکای جنوبی - کاریز - دوردهان ۲- رود اروپا - نمایش خنده دار ۳- سرگردان - نظم ۴- کج - جاده قطار ۵- واحد شمارش سیگار - پشتک - تابناک ۶- میل و اشتیاق - باریک بینی ۷- میوه تلفنی - درخت همیشه لرزان - شب روستایی ۸- غار - دفعه - تکان ۹- سست و بی حال - سال گذشته - تیغ ۱۰- از حروف الفبا - فراخ و وسیع ۱۱- سازی است - لوله گوارشی ۱۲- صف - فراز - حرف همراهی ۱۳- سگ بیمار - متعفن - وسط ۱۴- بندگی - سره - رنج ۱۵- متقال - گره دریایی ۱۶- جدا - از سوزنی برگان - پروردگار ۱۷- لگن - نابودی ۱۸- ریزه های فلز - بوران ۱۹- جنگ - خواب ۲۰- خرس فلکی - فالگیر - آتش

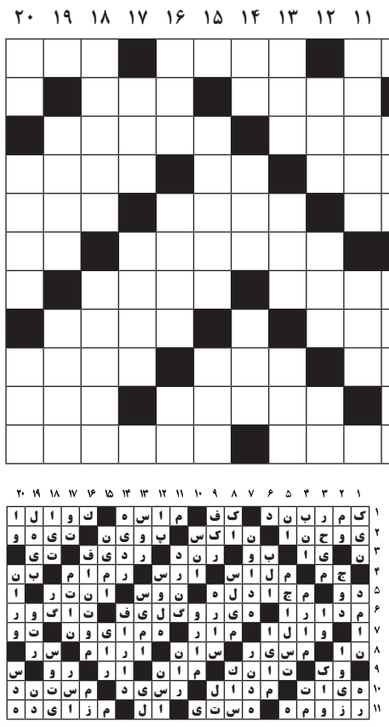

حل جدول شماره ۶۹۱۶

جدول سخت [شماره ۱۴۲]

طراح جدول: بیژن گورانی

افقی: ۱- زندان مسعود سعد سلمان - سرپوشیده - رمان مشهور احمد محمود، نویسنده معاصر ۲- آلبومی شنیدنی با آواز شهرام ناظری - کشور استعمار پیر - ورزشی مرکب از بسکتبال، هندبال و اسکیت ۳- حایل میان دو چیز - از شهرهای توریستی ایتالیا با دروازه های قرون وسطایی - بلندترین قله آلاسکا - ماه شاعرانه ۴- جانشین - جانوران رام نشده - خط القعر - آزرده ۵- گونه ها، اقسام - آسیاب دستی - نان خردشده در آبگوشت - رودخانه جیحون ۶- زیبا و دلپسند - حیله گر - لیف ظرفشویی ۷- رنگ کاهش درد و تسکین بیمار - واحد شمارش پل - برانگیختن - له شده ۸- چوبدستی بزرگ - سفیر - نتیجه و ثمره - کیفر ۹- نگاه خیره - فلزی نرم و چکش خوار - کشوری که با نیروی نظامی و اقتصادی، قدرت برتر شناخته شود - از محبت سرکه ها... می شود ۱۰- سیاست نژادپرستی - رنگدانه گیاهی - قطع طریق ۱۱- این بنای آجری تنها اثر برجای مانده از توس قدیم است - بوته گل - آزاد.

عمودی: ۱- شوم - مسجد معروف کاشان ۲- این زمان - رشد کننده ۳- زمین آذری - پایتخت بلغارستان - دشنام دادن ۴- مأمور تقسیم آب در مزارع - ششمین خلیفه اموی ۵- فهرست غذای رستوران - روز جشن - دومین مهره گردن ۶- انبار گندم - برچسب قیمت ۷- یگانگی ۸- چراغ روشنی بخش - موسس سلسله مغول های ایران ۹- نوعی کارد نوک تیز - آن گونه ۱۰- پیشوندی معادل میلیون - فیلمی ساخته استیون اسپیلبرگ - شهر مدفن میرزاده عشقی ۱۱- سراپرده محبت اوست - بند چرمی - از فرماندهان سپاه کیخسرو کیانی ۱۲- اشاره - جانشینی ۱۳- پیام آوری - صادق و بی ریا ۱۴- عقیم و نازا ۱۵- رمانی نوشته سعید نفیسی - سختی کشیده ۱۶- قرقره کاغذ - تیر عمود بر عرشه کشتی - قسمتی از پا ۱۷- شجاع - بی سر و صدا ۱۸- پرودگار - بی ارزش - طلا ۱۹- مثنوی سروده او حدی مراغه ای - پایین کوه ۲۰- تنقلات بی خاصیت - همسر حضرت یعقوب(ع).
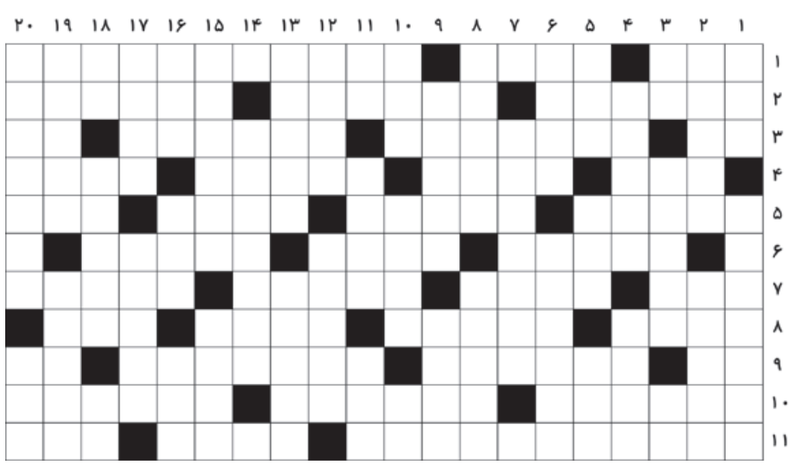
حل جدول شماره ۱۴۱